

درباره پیمان‌های همکاری اخیر بین ۲ همسایه ایران

# اهداف سعودی در عراق چیست؟

■ محمود نورانی ■

تصمیم گرفت سفیر خود در اردن را به عنوان سفیر آکرودیت به عراق اعزام کند. انجام این اقدام از سوی عربستان و اعزام سفیر به عراق، پس از گذشت ۲۲ سال از تنش‌ها بین طرفین از سال ۱۹۹۰، انجام شد که نشانگر قبول تغییرات در عراق از سوی دولت سعودی است. اما این پایان ماجرا نشده، وعده

## برادری استراتژیک یا روابط تاکتیکی؟

عربستان سعودی و عراق در حال حاضر مشغول یکسری فعالیت‌ها هستند که اثبات می‌کند هر دو طرف همه تلاش خود را برای تقویت روابط بویژه در حوزه اقتصادی به کار گرفته‌اند. عربستان سعودی ۴ آوریل یک کنسولگری در بغداد باز کرد اما شاید بتوان گفت مهم‌ترین هدیه ژئوپلیتیکی که تا به امروز از سوی سعودی‌ها به یک کشور داده شده، وعده وصل کردن عراق به شبکه برق عربستان به عنوان بخشی از پروژه سرمایه‌گذاری این کشور است. عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق هم ۱۷ آوریل به عربستان سفر کرد و این در حالی است که نمایندگان تجاری به طور مداوم در حال رفت و آمد بین ۲ کشور هستند. متحدان عرب و عربستان سعودی در تلاشند در کاهش وابستگی اقتصادی عراق به ایران تأثیرگذار باشند. با توجه به اینکه خاورمیانه بتازگی جنگ‌های فرقه‌ای بین شیعه و سنی را در سوریه و عراق پشت‌سر گذاشته، تلاش بغداد و ریاض برای تعاملات جدید می‌تواند نشانه مهمی دال بر پیروزی ژئوپلیتیک بر فرقه‌گرایی باشد. عربستان سعودی می‌داند علاقه‌ترین استراتژی برای رقابت با ایران در عراق تقویت روابط اقتصادی است نه روابط سیاسی یا نظامی، دولت جدید در بغداد روی خط پارگی بین ایران، قدرتمندترین کارگزار قدرت در عراق و سرمایه‌گذاری روی فرصت‌های جدید در روابط با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مانند عربستان سعودی حرکت می‌کند. حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران اعلام کرده صادرات ایران به عراق می‌تواند در سال ۲۰۱۹ از ۱۲ به ۲۰ میلیارد دلار افزایش یابد. اما حمایت فزاینده عراقی‌ها از کمک‌های عربستان سعودی ممکن است به مانعی اقتصادی برای ایران تبدیل شود. برای عربستان سعودی جبران عدم حضور در صحنه عراق در سال‌های گذشته هم از نظر مقابله با نفوذ ایران در کشور همسایه و هم در راستای تلاش‌های مشترک برای ممانعت از احیای داعش، از اهمیت زیادی برخوردار است. داعش اگرچه برای سعودی‌ها یک تهدید امنیتی به شمار نمی‌رود اما عربستان فعالانه با عرب‌های سنی عراقی از جمله قبایل استان ابار که خاستگاه داعش بود، تعامل دارد، البته به رغم تعاملات با قبایل در مرز ۲ کشور، توانایی ریاض برای نفوذ در جامعه سنی عراق هم توسط داعش و هم توسط کشور رقیب در حوزه خلیج فارس یعنی قطر به چالش کشیده شده است. اما ظاهراً عربستان سعودی برای تغییر نتیجه سیاسی در میان اکثریت شیعه بخت بهتری دارد. اگرچه عربستان سعودی نمی‌تواند نفوذ ایران در عراق را به کلی از بین ببرد اما سفر عادل عبدالمهدی به

**متحدان عرب و عربستان سعودی در تلاشند در کاهش وابستگی اقتصادی عراق به ایران تأثیرگذار باشند. عربستان سعودی می‌داند علاقه‌ترین استراتژی برای رقابت با ایران در عراق تقویت روابط اقتصادی است نه روابط سیاسی یا نظامی. دولت جدید در بغداد روی خط پارگی بین ایران، قدرتمندترین کارگزار قدرت در عراق و سرمایه‌گذاری روی فرصت‌های جدید در روابط با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مانند عربستان سعودی حرکت می‌کند**

ریاض و سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های سعودی به طور قطع روابط را در روند مثبتی قرار داده است. به علاوه، پروژه‌های توسعه اقتصادی و کمک در عراق این کشور را قوی‌تر، پایدارتر و مستقل‌تر می‌کند که این برای ایران می‌تواند به معنای یک چالش ناخوشایند باشد. با این حال به گفته منابع عراقی، ورود عربستان سعودی در عراق زمان می‌برد و باید اذعان کرد عربستان سعودی همچنان راه طول و درازی برای موفقیت در تغییر کلیشه‌ها و تبدیل شدن به نیرویی تأثیرگذار و رقابتی در محیط منطقه‌ای در پیش دارد.

\* پژوهشگر حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک

مجبور بوده‌اند خود را از تبدیل شدن به هدف این رقابت دور نگه دارند و همواره به دنبال برخورداری از حمایت کشورهای دیگری بوده‌اند که در زمان مقتضی در امور آنها مداخله کنند. عربستان سعودی دائماً مجبور بوده است سیاست‌های خود را طوری تنظیم کند که حمایت ایران یا عراق را نداشته باشد و خطر خصومت این دو قدرت را به حداقل برساند. اگرچه عربستان سعودی قدرت مسلط در جنوب خلیج فارس است اما فاقد قدرت سیاسی و نظامی لازم است، بنابراین نمی‌تواند قدرت همسایه‌های بزرگ شمالی خویش را نادیده بگیرد.

بر پایه دیدگاه‌های کارشناسان حوزه ژئوپلیتیک باید اذعان کرد در حال حاضر در میان قدرت‌های برتر در منطقه خلیج فارس، ایران با توجه به مولفه‌های قدرت‌آفرین ملی، وزن ژئوپلیتیک بیشتری دارد و سایرین در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. این قدرت‌ها مواضع ناپایداری در برابر همدیگر دارند و می‌توان گفت دیدگاه آنها درباره همدیگر تابع حوادث و اتفاقات گاه و بی‌گاه است و روند یکنواختی نداشته است. در عین حال، هر کدام از قدرت‌ها برای کسب برتری منطقه‌ای با یکدیگر رقابت می‌کنند. باید اذعان کرد رقابت این کشورها در چند مقوله مختلف است: بر سر کسب اقتدار و رهبری منطقه‌ای رقابت دارند. هر یک از این قدرت‌ها به دنبال کسب حداکثر نفوذ در کشورهای کوچک‌تر منطقه به شکل پیمان‌های دوجانبه هستند. این رقابت گاهی شکل خصمانه به خود گرفته است، مانند حادثه اشغال نظامی کویت توسط عراق. ایران و عربستان با ارائه طرز تلقی‌های خاص و با استفاده از کاتالیزورهای مربوط سعی در گسترش حوزه نفوذ خود به جهان اسلام دارند و این رقابت به درگیری‌هایی در برخی نقاط جهان (پاکستان و افغانستان) منجر شده است و در گذشته عراق (در دوران حکومت صدام) نیز با طرح ایده‌هایی برای کسب رهبری دنیای عرب، از راه دشمن نشان دادن ایران با اعراب، از یکسو، در رقابت با عربستان سعودی و از سوی دیگر در تقابل با ایران بوده است.

نکته آخر اینکه دلبستگی‌های ژئوپلیتیک متعارض نیز یکی دیگر از مسائل مشکل‌آفرین منطقه‌ای است. هر یک از قدرت‌های درون منطقه‌ای و خارج از آن دلبستگی‌هایی دارند که مورد نظر قدرت‌های دیگر و زمینه‌ساز رقابت است.

**■ زمینه‌های روابط عراق و عربستان سعودی**  
این تصور که با روی کار آمدن و قدرت گرفتن یک حکومت مردمی مقتدر و موثر در عراق، روابط این کشور با عربستان سعودی به روابطی پویا و بی‌مساله تبدیل می‌شود، تصویری باطل است. روابط این دو کشور با یکدیگر از بدو تاسیس، پس از جنگ اول جهانی، همواره روابطی پرمساله بوده و بغداد و ریاض دشمنان بالقوه یکدیگر به حساب آمده‌اند. ریشه این دشمنی را می‌توان در رقابت ۲ خاندان هاشمی و سعودی با یکدیگر و جنگ‌های این دو که در نهایت به قرارداد «عقبره» در جمادی‌الاول ۱۳۴۱ قمری (دسامبر ۱۹۲۲ میلادی) انجامید جست‌وجو کرد. بر پایه این پیمان، بخشی از سرزمین نجد به دست عراق و کویت افتاد و میان عراق و نجد و کویت ۲ منطقه بی‌طرف پدید آمد که بعدها دوسوم این مناطق به خاک عربستان ملحق شد. این پیمان از سوی عراق، همواره پیمانی استعماری خوانده می‌شود که آنها را از بخش وسیعی از منابع طبیعی‌شان محروم کرده است.

این تنش‌های تاریخی و ایدئولوژیک، حتی با سرنگونی خاندان سلطنتی هاشمی در سال ۱۹۵۸ و به قدرت رسیدن حزب بعث پایان نیافت. با استحکام رژیم بعث در دهه ۱۹۷۰، سیاست خارجی عراق حالتی خصمانه یافت و این کشور تلاش کرد با متحدان چپ‌گرای خود نظیر حکومت یمن جنوبی (در جنوب)، مخالفان رژیم تحت حمایت سعودی‌ها در یم شمالی (در جنوب شرقی) و جبهه خلق آزادی عمان و خلیج‌فارس در عمان (در جنوب)، عربستان را به محاصره خود درآورده و پادشاهی آن را تحت فشار قرار دهد. بنابراین عربستان در طول دهه ۶۰ و اوایل دهه



جغرافیایی مربوط به آن تأثیر گرفته است. بر این اساس در هر دو حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس و دریای مدیترانه (به عنوان زیرحوزه‌های منطقه خاورمیانه) که از کالبد و ساختار منسجم جغرافیایی برخوردارند، نظام منطقه‌ای یکپارچه وجود دارد. بر اساس مدل‌هایی که صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه ژئوپلیتیک، اقتصادی و سیاسی بررسی کرده‌اند باید اذعان کرد در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس، کشور ایران به عنوان قدرت درجه اول و کشورهای عربستان سعودی، امارات عربی متحده، عراق، کویت، عمان، قطر و بحرین به ترتیب در جایگاه‌های بعدی سطوح قدرت قرار دارند.

**■ همگرایی و واگرایی در خاورمیانه**  
منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه از ۸ واحد سیاسی مستقل شکل گرفته است که ویژگی‌های جغرافیایی، انسانی، اقتصادی و سیاسی گوناگونی دارند. فراتر از تفاوت‌های موجود در منطقه خاورمیانه، اختلاف سطوح قدرت ملی کشورهای منطقه و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای شرایط پیچیده‌ای را ایجاد کرده که روند همگرایی در خلیج فارس را پشت تخت تأثیر قرار داده است. این شرایط موجب بدگمانی‌های زیادی به نیت و اهداف کشورهای منطقه شده و بی‌اعتمادی متقابل را رقم زده است. بررسی وضعیت منطقه نشان‌دهنده تفاوت‌های آشکار جغرافیای سیاسی و تاریخی میان کشورهای عربی است که همگرایی را به چالش می‌کشد. تفاوت میان این کشورها از چند جنبه اختلاف‌برانگیز است.

**این تصور که با روی کار آمدن و قدرت گرفتن یک حکومت مردمی عربستان سعودی در عراق، روابط این دو کشور با یکدیگر از بدو تاسیس، پس از جنگ اول جهانی، همواره روابطی پرمساله بوده و بغداد و ریاض دشمنان بالقوه یکدیگر به حساب آمده‌اند. ریشه این دشمنی را می‌توان در رقابت ۲ خاندان هاشمی و سعودی با یکدیگر و جنگ‌های این دو که در نهایت به قرارداد «عقبره» انجامید جست‌وجو کرد**

**الف - شکاف مذهبی:** اختلاف بین شیعه و سنی یکی از منابع تهدیدکننده امنیت این منطقه است. علاوه بر ایران که بزرگ‌ترین کشور شیعه‌مذهب منطقه به شمار می‌رود، نسبت جمعیت شیعه در کشورهای عراق و بحرین هم بالاست. همچنین بخش عمده ساکنان استان‌های شرقی عربستان سعودی که مناطق نفت‌خیز هستند، شیعه مذهب‌اند. جالب است تا همین اواخر شیعیان در کشور عراق و بحرین به لحاظ سیاسی و اجتماعی جایگاه مناسبی نداشتند و در حال حاضر هم در ساختار سیاسی عربستان و بحرین جایگاهی به شیعیان اختصاص ندارد.

**ب - تفاوت‌های قومی - نژادی:** اختلافات تاریخی بین ایرانیان و اعراب در طول تاریخ وجود داشته و حافظه تاریخی مستمد مناقشه را ایجاد کرده است. افزون بر این، تفاوت‌های کردها و اعراب در عراق نیز از مسائل تنش‌زای منطقه‌ای است.

**ج - اختلاف نظام‌های حکومتی:** هر کدام از کشورهای این منطقه نظام سیاسی ویژه‌ای دارند؛ کشورهای تازه استقلال یافته جنوب خلیج فارس که نظام قبیله‌ای خود را در قالبی جدید درآورده‌اند، عربستان نظام محافظه‌کار و کاملاً بسته دارد، عراق کشوری با دگرگونی‌ها، کودتا و حوادث نسبتاً فراوان است و ایران کشوری ریشه‌دار و باثبات با نظام جمهوری اسلامی است. هر کدام از این نظام‌ها آسیب‌پذیری‌های خاص خود را دارند که رفتارهای منطقه‌ای متفاوتی را پدید می‌آورد.

**د - سکونت و تمدن:** از جنبه سابقه تمدنی نیز به استثنای ایران، عراق و عربستان سعودی که سابقه‌های طولانی در حکومت و تمدن دارند، سایر کشورهای منطقه پیشینه تمدنی ندارند. اخیراً این مساله موجب شده است کشورهای نوپای منطقه مفاخر علمی - ادبی کشورهای صاحب تمدن بویژه ایران را مصادره کنند و بیم آن می‌رود ادامه این وضعیت به تقابل‌های تمدنی و نژادی در منطقه دامن بزند.

**ه - روابط قدرت‌های منطقه‌ای:** تعامل میان قدرت‌های عمده خلیج فارس و کشورهای محافظه‌کار کوچک‌تر الگوی شایان توجهی را نمایان می‌کند. ایران و عراق به دلیل منافع ملی و سیاسی و همچنین ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت تقریباً رقیبان همیشگی بوده‌اند و کشورهای کوچک‌تر خلیج فارس

کوشورهاست که همگرایی را به چالش می‌کشد. تفاوت میان این کشورها از چند جنبه اختلاف‌برانگیز است.

**الف - شکاف مذهبی:** اختلاف بین شیعه و سنی یکی از منابع تهدیدکننده امنیت این منطقه است. علاوه بر ایران که بزرگ‌ترین کشور شیعه‌مذهب منطقه به شمار می‌رود، نسبت جمعیت شیعه در کشورهای عراق و بحرین هم بالاست. همچنین بخش عمده ساکنان استان‌های شرقی عربستان سعودی که مناطق نفت‌خیز هستند، شیعه مذهب‌اند. جالب است تا همین اواخر شیعیان در کشور عراق و بحرین به لحاظ سیاسی و اجتماعی جایگاه مناسبی نداشتند و در حال حاضر هم در ساختار سیاسی عربستان و بحرین جایگاهی به شیعیان اختصاص ندارد.

**ب - تفاوت‌های قومی - نژادی:** اختلافات تاریخی بین ایرانیان و اعراب در طول تاریخ وجود داشته و حافظه تاریخی مستمد مناقشه را ایجاد کرده است. افزون بر این، تفاوت‌های کردها و اعراب در عراق نیز از مسائل تنش‌زای منطقه‌ای است.

**ج - اختلاف نظام‌های حکومتی:** هر کدام از کشورهای این منطقه نظام سیاسی ویژه‌ای دارند؛ کشورهای تازه استقلال یافته جنوب خلیج فارس که نظام قبیله‌ای خود را در قالبی جدید درآورده‌اند، عربستان نظام محافظه‌کار و کاملاً بسته دارد، عراق کشوری با دگرگونی‌ها، کودتا و حوادث نسبتاً فراوان است و ایران کشوری ریشه‌دار و باثبات با نظام جمهوری اسلامی است. هر کدام از این نظام‌ها آسیب‌پذیری‌های خاص خود را دارند که رفتارهای منطقه‌ای متفاوتی را پدید می‌آورد.

**د - سکونت و تمدن:** از جنبه سابقه تمدنی نیز به استثنای ایران، عراق و عربستان سعودی که سابقه‌های طولانی در حکومت و تمدن دارند، سایر کشورهای منطقه پیشینه تمدنی ندارند. اخیراً این مساله موجب شده است کشورهای نوپای منطقه مفاخر علمی - ادبی کشورهای صاحب تمدن بویژه ایران را مصادره کنند و بیم آن می‌رود ادامه این وضعیت به تقابل‌های تمدنی و نژادی در منطقه دامن بزند.

**ه - روابط قدرت‌های منطقه‌ای:** تعامل میان قدرت‌های عمده خلیج فارس و کشورهای محافظه‌کار کوچک‌تر الگوی شایان توجهی را نمایان می‌کند. ایران و عراق به دلیل منافع ملی و سیاسی و همچنین ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت تقریباً رقیبان همیشگی بوده‌اند و کشورهای کوچک‌تر خلیج فارس

کوشورهاست که همگرایی را به چالش می‌کشد. تفاوت میان این کشورها از چند جنبه اختلاف‌برانگیز است.

